

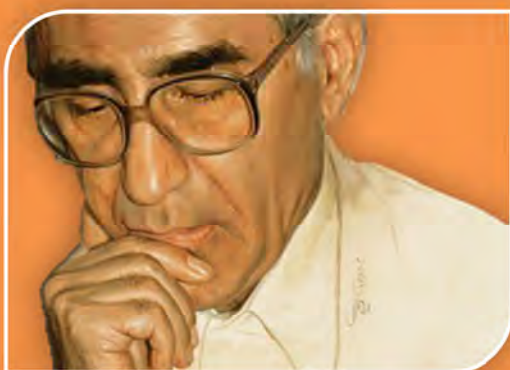


دوفصلنامه علمی

میزان

انجمن علمی فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه
سال اول/ شماره اول/ بهار و تابستان ۱۳۹۹

در این شماره می‌خوانید



- زندگی‌نامه دکتر کاتوزیان
- آشنایی با آزمون قضاوت
- جرایم در حکم کلاهبرداری



- آیا می‌دانیدهای حقوقی
- معرفی تازه‌های نشر
- انواع مجازات‌ها

و مطالب خواندنی دیگر ...



نشریه علمی میزان

دوفصلنامه انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه

سال اول/ شماره اول/ بهار و تابستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد صادق

سرمدیر و مدیر اجرایی: زهرا مؤمنی

هیئت تحریریه:

- زهرا مؤمنی
- زهرا نامداری
- فاطمه راجی
- فاطمه رستمی
- مریم حکم آبادی
- الهام خراسانی

صفحه آرایی: نشر

ویراستاری: ع. صهبا

اساتید گرامی و دانشجویان عزیز می‌توانید انتقادات و پیشنهادهای خود را به رایانامه نشریه به آدرس mizan.276@yahoo.com ارسال نمایید.

تمامی پیشنهادهای و انتقادات به‌طور مستقیم به‌دست سردیر می‌رسد و بدیهی است نظرها درجهت بهبود کیفیت نشریه بررسی و اعمال می‌شود.

میزانم

انجمن علمی فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه (ع)
سال اول / شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۹

فهرست

۵	سخن سردییر.....
۶	مشاهیر.....
۸	یار مهربان.....
۱۰	تازه‌ترین مقالات حقوقی.....
۱۹	آشنایی با آزمون قضاوت.....
۲۳	جایگاه علم فقه از دیدگاه ائمه اطهار (ع).....
۲۵	معرفی رشته فقه و حقوق.....
۲۸	پژوهش‌ها و دست‌نوشته‌های علمی دانشجویان.....
۳۹	کارگاه حقوق.....
۴۰	آیا می‌دانیدهای حقوقی.....
۴۲	حقوق شهروندی.....
۴۶	گزارش نوشتاری و دیداری از فعالیت‌های انجمن.....



سخن سردبیر

بی قلمت خاک دو عالم عدم
ره به نهانخانه تحقیق نه

ای دو جهان از قلمت یک رقم
در کف من مشعل توفیق نه

باتوجه به رشد سریع و چشم گیر علم و دانش، امروزه جامعه‌ای می‌تواند جایگاه مناسبی در میان دیگر جوامع داشته باشد که با رهروان قافله علم هماهنگ باشد و جامعه‌ای قدرتمند و توسعه یافته محسوب می‌شود که نیروی انسانی محقق و متخصص بیشتری در جهت تولید و تقویت دانش در حوزه‌های گوناگون داشته باشد. بی شک یکی از حوزه‌های نیازمند مطالعه و پژوهش، عرصه فقه و حقوق است؛ زیرا این دو علم آمیختگی فراوانی با یکدیگر دارند و به‌طور مستقیم بر روابط انسان‌ها در جامعه حاکم و ناظرند.

نشریه پیش رو باعنوان «میزان» با کمک خداوند متعال، به‌همت گروه فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س) و با همکاری جمعی از اساتید گرامی و دانشجویان پژوهشگر به‌عنوان عضوی کوچک از جامعه فقهی و حقوقی پا به عرصه حیات گذاشته است، می‌کوشد موضوعات گوناگون را در جامعه با رویکرد پژوهشی بررسی کند و در خدمت علاقه‌مندان قرار دهد.

دراین باره چند نکته گفتنی است:

۱. هدف از انتشار نشریه حاضر، ارتقای دانش و اطلاعات علاقه‌مندان به مباحث فقهی و حقوقی - به‌خصوص دانشجویان عزیز - و آشنایی بیشتر با مطالب و موازین فقهی و حقوقی و تسهیل دسترسی آنان به مطالب می‌باشد.

۲. نشریه میزان، نخستین نشریه تخصصی انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه (س) می‌باشد؛ بنابراین طبیعی است با نقص و کاستی‌هایی همراه باشد؛ به‌همین دلیل از اساتید ارجمند و دانشجویان گرامی تقاضا می‌شود با نظرها و پیشنهادهای مفید خود ما را در ادامه این مسیر یاری رسانند.

درپایان از مساعدت‌های مدیریت فرهنگی و اجتماعی، کارشناس روابط عمومی - جناب آقای روح‌الله بادامه‌وش - و اساتید گرانقدر، حضرات آقایان: دکتر محمد صادقی، دکتر محمدحسین وکیلی مقدم، دکتر وحید نکونام، دکتر سیدعلیرضا حسینی و دیگر اساتید دانشگاه که در به‌سرانجام رسیدن نشریه با بیان راهکارها و نظرات ارزشمند خود همراه و یاری‌گر ما بودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

زهره مؤمنی / سردبیر



زندگی نامه دکتر کاتوزیان



دکتر ناصر کاتوزیان در سال ۱۳۱۰ در تهران به دنیا آمد. نام خانوادگی اصلی او تهرانی بود، ولی در زمان رضاشاه زمانی که به دریافت شناسنامه مجبور شد، به دلیل علاقه فراوان به زبان پارسی، نام خانوادگی جدیدی به نام کاتوزیان (برگرفته از شاهنامه به معنای پارسیان) برای خود برگزید. ایشان دوران ابتدایی تحصیل را در دبستان اقبال و دوران دبیرستان را در دبیرستان علمیه گذراند. وی در پنجم ابتدایی، رشته ادبی را دنبال کرد و در همان رشته در ایران شاگرد اول شد و برای نخستین بار در ایران به دریافت مدال درجه ۲ علمی نایل گردید. دریافت همین مدال سبب اشتیاق او برای ادامه تحصیل گردید. در دانشگاه با تحصیل رشته حقوق، موفق به کسب مدال درجه ۱ علمی در این رشته شد.

فوت پدر ایشان در سال دوم دانشگاه، باعث انصراف از رفتن به وزارت امور خارجه شد و به رشته قضا تمایل یافت. پس از اتمام دوره کارشناسی حقوق از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۴۵ در دادگستری به کار مشغول شد؛ تا آنجاکه حتی به ریاست دادگاه اراک و مستشار دادگاه استان و معاون اداری و حقوقی نیز دست یافت، اما داشتن روحیه تحقیق و پژوهش و عشق به تدریس و مخالفت‌های او با دستگاه پهلوی سبب شد تا دنیای تحقیق و تفحص را بر دنیای پُراضطراب دادگستری ترجیح دهد.

۱. سفرهای علمی

دکتر کاتوزیان چند مرتبه به کشورهای فرانسه، انگلستان و امریکا سفر کرد. علاقه وافر ایشان به فقه سبب انجام مطالعات فراوان در زبان عربی شد که در نهایت باعث شد ایشان در زبان عربی به میزان زبان فرانسه و انگلیس متبحر شود.



۲. آثار

دکتر کاتوزیان در سال ۱۳۳۹ با دفاع از رساله دکتری با عنوان «وصیت»، به اخذ دکتری حقوق نایل گشت. وی نخستین دانشجوی ایرانی بود که به اخذ مدرک دکتری حقوق در ایران - دانشگاه تهران - موفق شد. در سال ۱۳۳۲ نخستین مقاله وی در مجله کانون وکلای آن زمان به چاپ رسید و مقالات ایشان تا آنجا ادامه یافت که نخستین کتاب او با عنوان وصیت به چاپ رسید.

ایشان مؤلف آثار متعدد حقوقی و استاد ممتاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بود و در تدوین نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرکت داشت. استاد کاتوزیان ۵۷ جلد کتاب و بیش از یکصد مقاله علمی تألیف کرده است که برخی کتب ایشان عبارت‌اند از: عدالت قضایی (دو جلد)، گامی به سوی عدالت (دو جلد)، مقدمه علم حقوق، فلسفه حقوق (سه جلد)، حقوق مدنی (بیست جلد)، نظریه عمومی حقوق، کلیات حقوق، آزادی اندیشه و بیان، و

۳. توصیه‌های دکتر کاتوزیان

دکتر کاتوزیان توصیه‌های بسیاری در موضوعات گوناگون دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:



به جوان‌ها می‌گویم اگر از چیزی عصبانی هستید، مراقب باشید؛ میراث گرانبهای چندین و چندساله پدران‌تان را از روی عصبانیت بر زمین نزنید.

ایشان رسیدن به آرزوها را مانند توقف می‌داند و می‌گوید:

وقتی میکِل آنژ مجسمه پتیا را ساخت و در کلیسا بسیار مورد توجه قرار گرفت، خودش گریه کرد. از او پرسیدند: چرا گریه می‌کنی؟ گفت برای اینکه کار من به پایان رسیده و از این کار خوشم آمده بود.

ایشان در جای دیگر می‌گوید: هدف علم حقوق، اجرای

کامل عدالت و مصونیت جامعه از ظلم و بی‌عدالتی است.

ایشان اصل ماجرای مشروطیت را در همین نکته می‌بیند.

همچنین می‌گوید: علت اصلی قیام مشروطیت، آرای متضاد قضات آنها و فساد شدید در دستگاه قضایی آن دوران بود، در حالی که مردم خواهان حکومت عادل و عدالت‌خانه بودند.

۴. نظر دکتر کاتوزیان در مورد آزادی اندیشه علمی

آدمی اگر نتواند آن‌گونه که می‌اندیشد، افکارش را بیان کند و اصلاً جرئت بیان افکارش را نداشته باشد، در بحث آزادی و عدالت همچنان در خم اول این وادی باقی خواهد ماند و این اصل محقق نمی‌شود، مگر زمانی که هرکس هرآنچه را می‌اندیشد، بیان کند و برخورد اندیشه‌ها بر اثر همین اصل پیش‌پا افتاده میسر می‌گردد.

اصول استنباط فقهی (جلد دوم)؛ آخرین تحقیقات اصولی با رویکردی نوین

این کتاب، رویکرد جدیدی در زمینه نحوه استنباط احکام فقهی دارد و برخی از نوآوری‌های اصولی در این باره را بیان می‌کند. در این کتاب که به صورت درسنامه و برای تدریس در دانشگاه‌ها به ویژه رشته فقه و حقوق نگاشته شده است، به بحث در مورد امارات قطعیه پرداخته شده، حجیت قطع و طریقیت آن و نیز احکام مربوط به تجری بیان شده است. در ادامه نویسنده به میزان اعتبار ادله لُبّی یا همان دلایل عقلی در استنباط احکام شرعی می‌پردازد و حجیت اجماع و عقل را از منظر اصولی بررسی کرده است. در بخش‌های بعدی کتاب، نویسنده به تبیین میزان حجیت شهرت فتوایی، سیره عقلا، حجیت ظواهر، حجیت قول لغوی،

حجیت اصول عملیه اعم از برائت، احتیاط، تخییر، استصحاب و نیز ادله شرعی و عقلی آنها و شرایط جریان داشتن هریک از آنها اشاره می‌کند و موانع منجز بودن عام اجمالی را در شبهات موضوعیه بررسی کرده است. بحث از تعارض انواع ادله و راه‌های رفع آنها، از دیگر مندرجات کتاب است.



مؤلف: سید کاظم مصطفوی نیا

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (س)

زبان: فارسی

سال چاپ: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

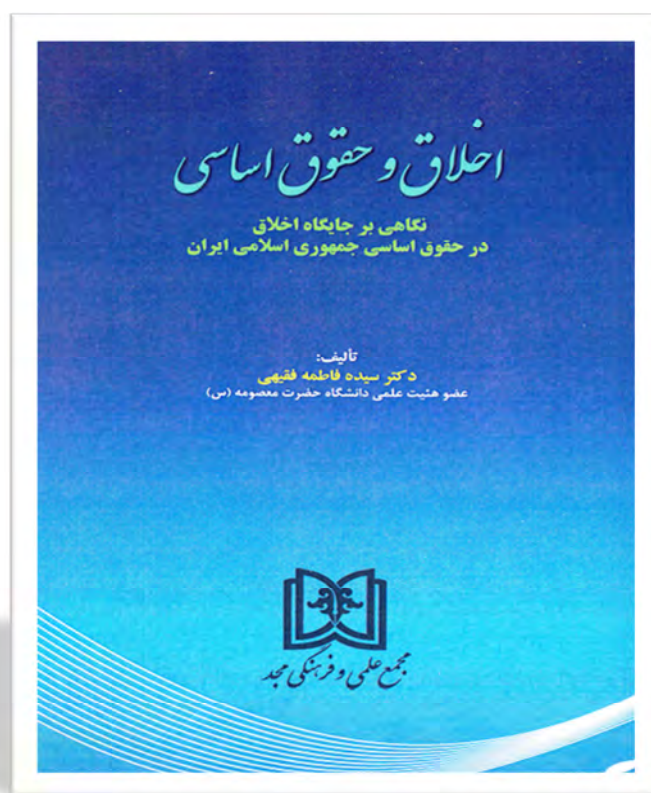
تعداد صفحات: ۳۲۸



اخلاق و حقوق اساسی؛ نگاهی بر جایگاه اخلاق در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از عمده‌ترین و قدیمی‌ترین تحلیل‌ها از قواعد حقوق اساسی، تحلیل سیاسی است. بررسی تعارض و منازعه نهفته در ذات سیاسی و تفکیک میان دوست و دشمن و تحلیل اصول و قواعد بر پایه قدرت، از ویژگی‌های این نوع تحلیل به شمار می‌رود. کتاب پیش رو تلاشی در جهت تبیین رویکرد اخلاقی حقوق اساسی با تأکید بر مؤلفه‌های حقوق اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این کتاب ضمن دفاع از نظریه اخلاقی حقوق اساسی، به بیان امکان و ضرورت رویکرد اخلاقی در حیات سیاسی پرداخته شده است و چگونگی پیوند مبانی اخلاقی با ساختارهای سیاسی، حقوق و آزادی‌های فردی مورد بحث قرار گرفته است.

مؤلف: دکتر سیده فاطمه فقیهی
ناشر: مجد و باهمکاری انتشارات
دانشگاه حضرت معصومه (س)
زبان: فارسی
سال چاپ: ۱۳۹۴
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۳۰۴





جرایم در حکم کلاهبرداری^۱

وحید نکونام

چکیده

در کنار جرم کلاهبرداری که در حال حاضر در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرم کلاهبرداری پیش‌بینی شده است، مواردی هست که قانونگذار به دلیل شرایطی چون عدم تطبیق فعل ارتكابی با عناصر جرم کلاهبرداری، افعال مجرمانه‌ای را در حکم کلاهبرداری دانسته یا مجازات عمل را به ماده کلاهبرداری ارجاع داده است. در این موارد بحث‌ها و ابهاماتی وجود دارد که در مقاله حاضر به بررسی آنها می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری، جرایم علیه اموال، نسخ، حکم.

درآمد

جرم کلاهبرداری^۲ در زمره جرایم علیه اموال است و از منظر جرم‌شناسی، جرم «یقه سفید»^۳ محسوب می‌شود. از دیدگاه اسلام، کلاهبرداری را می‌توان جزء جرایم تعزیری و نوعی «اکل مال به باطل» محسوب کرد. در متون فقهی کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» مطرح شده است و کلاهبردار «محتال» نام گرفته است. از منظر تاریخی در قدیم کلاهبرداری جرم مستقلی محسوب نمی‌شد، بلکه برای مثال در حقوق روم این جرم در کنار سایر جرایم عنوان عامی به نام «فورتوم» داشت که دیگر جرایم علیه اموال مثل سرقت و خیانت در امانت را نیز شامل می‌شد. در دیگر کشورهای اروپایی نیز به تبع این قانون، کلاهبرداری عنوان مستقلی نداشت تا اینکه با تصویب قانون جزای سال ۱۸۱۰م فرانسه و به موجب ماده ۴۰۵، این

۱. متن حاضر، مقاله «جرایم در حکم کلاهبرداری» از وحید نکونام است که در سال ۱۳۹۵ به کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (شیراز) ارائه شده است.

2. Fraud.

3. White-Collar Crime.



جرم عنوان مستقلی به خود گرفت.

در کشور ما نیز در سال ۱۳۰۴ به تبعیت از ماده ۴۰۵ فرانسه و در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی به این جرم اشاره شده بود. همچنین مقنن طی قانون تفسیر ماده ۲۳۸ ق.م.ع. مصوب ۱۳۱۴/۱۰/۱۴ توضیح داد که مقصود از توسل به وسایل تقلبی برای بردن مال غیر مذکور در ماده ۲۳۸ ق.م.ع. اعم از این است که حيله و تقلب را در خارج اعمال کنند یا در ضمن جریان امر در ادارات ثبت یا دیگر ادارات دولتی یا محاکم و نیز مقصود از جمله «اگر شروع به این کار کرده، ولی تمام نکرده باشد» اعم از این است که بر فرض تمام کردن مالی را که مقصود داشته، به دست می آورده یا به جهاتی به نتیجه مقصود نمی رسیده است.

قانونگذار در سال ۱۳۵۵ طی قانون اصلاح قانون تشکیل دیوان کیفر و برخی از مواد قانون مجازات عمومی و الحاق چهار ماده به قانون مجازات عمومی تغییراتی در ماده ۲۳۸ ق.م.ع. داد. بر اساس قانون اخیر اولاً، حبس به سه سال؛ ثانیاً، جزای نقدی نیز به ده هزار تا صد هزار ریال افزایش یافت؛ ثالثاً، عوامل سه گانه تشدید در ماده پیش بینی شد؛ رابعاً، عبارت خوردن مال دیگری به بردن مال دیگری بدل گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ طی ماده ۱۱۶ به بحث کلاهبرداری اشاره کرد. بر اساس این ماده مجازات کلاهبرداری و شروع به آن علاوه بر حبس، شلاق نیز تعیین شد و همچنین کارمند دولت بودن از عوامل تشدید خارج گردید.

در مدت زمان کوتاهی پس از تصویب قانون مذکور به دلیل رشد روزافزون جرم کلاهبرداری و پیدایش چند فقره کلاهبرداری بزرگ به وسیله شرکت های مضاربه ای، نخست در تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در مجلس به تصویب رسید، لیکن به دلیل ایرادات شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

افزون بر این مواد، قانونگذار برای مقابله با برخی مصادیق خاص کلاهبرداری، در قوانین متفرقه جزایی احکام خاصی در کنار حکم عام کلاهبرداری مقرر در ماده ۲۳۸ و اصلاحات بعدی آن پیش بینی کرده است.

اکنون به بررسی اشکالات و ابهامات مطرح در مورد جرایم در حکم کلاهبرداری می پردازیم:

۱. ابهام در قوانین که مجازات خود را به ماده ۲۳۸ ق.م.ع. ارجاع داده اند؛ از این لحاظ که آیا قابل مجازات به وسیله ماده ۱ قانون تشدید مجازات می باشند.

قانونگذار در قوانین فراوانی جرایم مشابه با کلاهبرداری را از حیث مجازات به کلاهبرداری ملحق کرده است که پیش از و رود به بحث، به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر، تبانی می کنند؛ مصوب ۱۳۰۷.

ب) قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می کنند؛ مصوب ۱۳۰۸.

ج) قانون ثبت اسناد و املاک؛ مصوب ۱۳۱۰.

د) قانون تصدیق انحصار وراثت؛ مصوب ۱۳۰۹.

ه) لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛ مصوب ۱۳۴۷.

و) قانون اعسار؛ مصوب ۱۳۱۳.



ز) قانون وکالت؛ مصوب ۱۳۱۵.

ح) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری؛ مصوب ۱۳۵۰.

ط) قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ایران؛ مصوب ۱۳۶۳.

ی) قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شود؛ مصوب ۱۳۷۲.

ک) قانون اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی؛ مصوب ۱۳۱۶ و الحاق چند ماده به آن؛ مصوب ۱۳۷۶.

قانونگذار در این موارد خاص اصولاً دوگونه برخورد داشته است:

اول. از لفظ کلاهبردار یا در حکم کلاهبردار استفاده کرده است؛ مانند ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر، تبانی می‌کنند.

دوم) به ماده ۲۳۸ ق.م.ع. اشاره کرده است؛ مانند ماده ۶۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران. اکنون ابهام و مشکل آن است که در برخورد با این جرایم چگونه باید عمل کرد؛ بدین معنا که باتوجه به تغییر عنصر قانونی، آیا باز هم می‌توان به ماده ۲۳۸ ق.م.ع. تمسک جست؟ در این باره سه دیدگاه مطرح شده است:

الف) برخی حقوقدانان معتقدند نمی‌توان مواردی را که قانونگذار عملی را کلاهبرداری دانسته است، ملحق به ماده ۱ قانون تشدید مجازات نمود؛ زیرا نظر قانونگذار فقط تغییر عنصر قانونی و به تبع افزایش مجازات نسبت به مواردی بوده که عناصر جرم کلاهبرداری را دارند و ازسوی دیگر اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری اقتضا دارد که موارد در حکم کلاهبرداری را باتوجه به افزایش مجازات ماده ۱ به این ماده ملحق نسازیم.^۱

ب) بر اساس دیدگاه دیگر، باید به تفکیک قائل شد و در مواردی که قانونگذار به واژه «کلاهبردار» یا «کلاهبرداری» اشاره کرده است، در حال حاضر می‌توان مرتکبان را بر اساس ماده ۱ که فعلاً عنصر قانونی جرم کلاهبرداری است، محکوم کرد، ولی در صورتی که در مواد قانونی مورد بحث، به این واژه اشاره نشده باشد و صرفاً به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ ق.م.ع. ارجاع صورت گرفته باشد، شمول قانون تشدید که مشتمل بر مجازات شدیدتری است، به اعمال مذکور محل شبهه و تردید جدی است.^۲

ج) برخی نیز معتقدند نسخ ماده ۲۳۸ ق.م.ع. به معنای پایان حیات آن و جایگزینی ماده فعلی است و میان اینکه گفته شود به مجازات ماده ۲۳۸ محکوم می‌شود یا گفته شود کلاهبردار محسوب می‌شود، تفاوتی نیست. تفسیر مضیق نیز مانند اصول عملیه بوده، فقط در جایی جاری است که اصول لفظیه وجود نداشته

۱. ر.ک: محمدجعفر حبیب‌زاده، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، ۱۳۸۰، انتشارات سمت، چاپ سوم، ص ۱۴۴؛ علی آزمایش، جزوه جزای اختصاصی (کلاهبرداری)، ویراستاری نشده، ص ۱۹؛ محسن رهامی، جرایم علیه اموال و مالکیت، جزوه درسی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۹-۸۰، ص ۲۹.

۲. ر.ک: حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، ۱۳۸۴، نشر میزان، چاپ دوازدهم، ص ۱۳۰؛ محمدصالح ولیدی، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، ۱۳۸۱، نشر امیرکبیر، صص ۸۱-۸۰ و ص ۱۱۰.

باشد، درحالی که با دقت در مفهوم نسخ مشخص می شود که دیگر ماده ۲۳۸ ق.م.ع. قابلیت استناد ندارد.^۱
دراین باره ازسوی دیوان عالی کشور و نیز اداره حقوقی قوه قضائیه، آرای صادر شده است. دیوان عالی کشور در رأی بیان داشته است:

نظر به اینکه ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، مصوب ۱۳۰۸ انتقال دهندگان مال غیر را کلاهبرداری محسوب کرده و مجازات کلاهبرداری را در تاریخ تصویب آن قانون، ماده ۲۳۸ ق.م.ع. معین نموده بود و سپس طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مجازات کلاهبرداری تشدید و برابر ماده ۸ همان قانون کلیه مقررات مغایر با قانون مزبور لغو گردیده است؛ لذا جرایمی که به موجب قانون کلاهبرداری محسوب شود، از حیث تعیین کیفر، مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ است.^۲

اداره حقوقی نیز به موجب یکی از نظرات مشورتی خود معتقد است باتوجه به کلاهبرداری محسوب شدن منتقل کننده مال غیر، تمامی آثار جرم کلاهبرداری بر بزه انتقال مال غیر نیز بار می شود و به همین دلیل با تصویب قانون تشدید، بزه انتقال مال غیر مشمول مقررات مربوط به کلاهبرداری در آن قانون به شمار می رود.^۳

با ملاحظه رأی اخیر مشخص می شود که این آرا و نظرها، مختص مواردی است که قانونگذار صراحتاً عملی را کلاهبرداری معرفی کرده است، ولی در دیگر موارد همچون قانون راجع به انتقال مال غیر که صرفاً مجازات ماده ۲۳۸ قانون مجازات قابل اعمال دانسته شده است، نمی توان به این آرا تمسک جست و ازسوی دیگر ماده ۲۳۸ ق.م.ع. نیز به دلیل نسخ قابلیت اجرا ندارد. به نظر می رسد برای حل این معضل بهتر است قانونگذار صراحتاً تکلیف این موارد را روشن سازد.

۲. ابهام در قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرایم در حکم کلاهبرداری و نیز دیگر قواعدی چون تخفیف و تعلیق مجازات.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اظهار داشته است که فقط در ازای گذشت مدعی خصوصی آن است که دادگاه می تواند در این گونه موارد مجازات مرتکبان جرم کلاهبرداری را عندالإقتضا تخفیف دهد؛^۴ اکنون این نکته قابل توجه است که آیا رأی اخیر به جرایم در حکم کلاهبرداری نیز تسری می یابد و این جرایم نیز غیرقابل گذشت اند؟

اداره حقوقی در رأی بیان داشته است:

چون رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۶۳/۱۱/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور فقط جرم کلاهبرداری را غیرقابل گذشت دانسته و متعرض جرایم در حکم کلاهبرداری نشده است، باتوجه به تفسیر به نفع متهم، حکم

۱. ر.ک: عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، تعزیرات ۲، تهران، ۱۳۸۲، نشر ققنوس، چاپ اول، ص ۱۲۱؛ ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، تهران، ۱۳۸۴، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ص ۳۵۳.

۲. رأی وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱۱.

۳. نظریه شماره ۷۲۴۸ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۰.

۴. رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱.



رای وحدت رویه مذکور نسبت به جرایم در حکم کلاهبرداری جاری نیست.^۱
اداره مذکور پس از مدتی به خلاف این دیدگاه، نظریه دیگری بدین شرح صادر کرده است:

درموردی که مجازات قانونی یک جرم صریحاً مشخص نشده، بلکه مجازات مقرر برای جرم دیگر احاله شده است، دو نوع عبارت مشاهده می شود:

الف) گاهی در قوانین گفته شده است که مرتکب این عمل به مجازات مقرر برای فلان جرم محکوم می شود؛
ب) گاهی تصریح شده مثلاً مرتکب این جرم کلاهبرداری یا مختلس یا ... محسوب می شود.

درمورد اول، صرفاً منظور مقنن این است که مجازات مقرر در فلان ماده درباره مرتکب تعیین و اجرا گردد و درمورد دوم، تمامی آثار تنظیمی بر جرم داخل در حکم آن مترتب می شود؛ یعنی وقتی قانونگذار می گوید مرتکب ثبت ملک غیر، کلاهبرداری محسوب می شود، درواقع ارتکاب ثبت ملک غیر را از مصادیق کلاهبرداری معرفی می کند و دراین صورت باید تمام آثار کلاهبرداری بر آن مترتب شود و این را نمی توان با موردی که می گوید به مجازات کلاهبرداری محکوم می شود، یکسان دانست؛ زیرا درمورد اخیر، اشتراک در مجازات منظور است و درمورد مشروح بالا، دخول در مصادیق و موضوع حکم مراد است. باتوجه به مراتب فوق چون ماده یک قانون مجازات انتقال مال غیر، تصریح دارد که هرکس مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است، به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند، کلاهبرداری محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می شود.^۲

همچنین اداره حقوقی در رأی دیگری بیان داشته است:

باید به نحوه انشای قانون توجه شود؛ بدین صورت که اگر در قانون گفته شده باشد مرتکب فلان عمل، کلاهبرداری محسوب می شود، همان طور که در ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر آمده است، تمامی مقررات کلاهبرداری و من جمله غیرقابل گذشت بودن شامل آن می شود، ولی اگر فقط مجازات آن عطف بر کلاهبرداری شده باشد، دراین صورت باید توجه شود که جرم اخیر حق الناس است یا نه؟ چنانچه حق الناس باشد، قابل گذشت، و آلا غیرقابل گذشت خواهد بود.^۳

با امعان نظر به آرای مذکور، سه دیدگاه قابل طرح است:

الف) اصولاً جرایم در حکم کلاهبرداری قابل گذشت می باشد و نمی توان رأی وحدت رویه مربوط به

کلاهبرداری را به این جرایم تسری داد و تفسیر به نفع متهم قوانین نیز اقتضای چنین برخوردی را دارد.

ب) در جرایم در حکم کلاهبرداری باید قائل به تفکیک شد؛ بدین معنا که اگر قانونگذار صراحتاً عمل را در حکم کلاهبرداری معرفی کرده بود، تمامی آثار آن جرم از جمله غیرقابل گذشت را شامل می شود، وگرنه نمی توان جرم را غیرقابل گذشت دانست.

ج) بر اساس دیدگاه دیگر مواردی که قانونگذار جرم را در حکم کلاهبرداری دانسته است، جرم مورد بحث غیرقابل گذشت است و درغیراین صورت نمی توان به طور مطلق آن را قابل گذشت دانست، بلکه به ماهیت آن باید توجه کرد؛ در صورتی که جنبه حق الناسی آن اولویت داشته باشد، قابل گذشت، وگرنه غیرقابل

۱. نظریه شماره ۷/۹۹۱۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۸.

۲. نظریه شماره ۷/۱۲۹۶۴ مورخ ۱۳۷۱/۲/۱۵.

۳. نظریه شماره ۷/۱۶۵۲ مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۰.

گذشت است.

به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این سه دیدگاه به طور مطلق صحیح نیست؛ زیرا با امعان نظر به قانون مجازات اسلامی و رویه حقوقی متداول در جهان، اصل در جرایم، عمومی بودن آنهاست و قابل گذشت بودن خلاف اصل و نیاز به تصریح مقنن دارد - همان‌گونه که قانونگذار در ماده ۷۲۷ ق.م.ا. به موارد قابل گذشت اشاره کرده است - پس در مواردی که چنین تصریحی نیست، جرم غیرقابل گذشت می‌باشد، ولی در هر حال صدور آرای متفاوت دلیل بر مبهم بودن این موارد است و بهتر است تکلیف این امر با رأی وحدت رویه یا اصلاح قانون روشن شود.

در مورد دیگر قواعد همچون منع تخفیف و تعلیق مجازات نیز سه دیدگاه مطرح شده است؛ بر اساس یک دیدگاه، تمامی قیود جرم کلاهبرداری بر جرایم در حکم آن نیز بار می‌شود و بر اساس دیدگاه دیگر، قیودی همچون منع تخفیف و تعلیق فقط مختص کلاهبرداری است و در جرایم در حکم کلاهبرداری، فقط مجازات آن قابل اعمال می‌باشد و اصل تفسیر مضیق نیز چنین اقتضایی دارد و بر اساس دیدگاه سوم، باید میان مواردی که قانونگذار عمل را کلاهبرداری دانسته است و موارد غیر آن تمایز قائل شد و فقط در مورد اول، تمامی آثار بر جرم مورد نظر نیز بار می‌شود. به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر صحیح است.

نتیجه

در بحث جرایم در حکم کلاهبرداری، با تشتت قوانین روبه‌رو هستیم و به دلیل آنکه این قوانین از گذشته وجود داشته است، تبعاً نیاز به اصلاح و تغییر وجود دارد، ولی نکته مهم آنکه بهتر است قانونگذار تا آنجا که امکان دارد، به تجمیع قوانین دست بزند و در فصلی از بخش تعزیرات جرم کلاهبرداری و مواد در حکم آن را تجمیع و به اصلاح ابهامات و اشکالات اقدام نماید. البته در موارد کاملاً تخصصی باید دقت شود جابه‌جایی جرایم در حکم کلاهبرداری به دیگر مواد خاص آسیب نرساند.

منابع

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۲. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۳. ولیدی، محمدصالح؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۴. زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی؛ تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۲.
۵. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.



قرارداد سفارش ساخت^۱

محمد صادقی

سفارش ساخت که در عربی به آن «استصناع» گفته می‌شود، عبارت است از اینکه متقاضی یا سفارش‌دهنده کالا یا شیء معین به سازنده یا صنعت‌گر، سفارش ساخت آن کالا یا شیء را بدهد تا سازنده با مواد و لوازم خود آن را بسازد. قیمت کالا ممکن است هنگام سفارش، پرداخت شود و ممکن است پس از مدتی از سفارش یا حتی پس از اتمام ساخت و تحویل به سفارش‌دهنده پرداخت گردد. همچنین ممکن است پرداخت به صورت اقساطی باشد.

به طور معمول، سازنده با موادی که دارد یا تهیه می‌کند، کالای مورد نظر را بر پایه اوصاف و شرایط می‌سازد، ولی ممکن است کالای سفارش‌شده را از قبل داشته باشد و به سفارش‌دهنده تحویل دهد یا کالای مورد نظر را از بازار تهیه کند و تحویل دهد.

همچنین سفارش ساخت ممکن است برای اصلاح یا تکمیل کالا و لوازم صورت گیرد تا سازنده با موادی که تهیه می‌کند، کالای مورد نظر را اصلاح یا تکمیل نماید.

سفارش ساخت نه تنها درباره ساخت کالا و لوازم صادق است، بلکه درباره امور فکری و معنوی همانند طراحی، نقشه‌کشی، ساخت نرم‌افزارهای رایانه‌ای، تألیف کتاب و... نیز مفهوم می‌یابد و سفارش ساخت در این باره نیز مطرح شده است. مردم از قدیم‌الایام با سفارش ساخت آشنا بوده‌اند و دلیل رواج قرارداد سفارش ساخت این بود که عقد بیع و خرید و فروش کالاهای آماده، پاسخ‌گوی احتیاجات گوناگون و متنوع مردم نبود و استفاده از این قرارداد در زمینه‌هایی چون ساخت کفش، بافت لباس، نقاشی، نجاری، ساخت ظروف و... رونق یافت.

در دوران معاصر به‌ویژه اوایل قرن بیستم میلادی، نیاز به خرید کالاهایی که آماده آنها به دلیل برخورداری از صفات یا کمیت‌های خاص وجود نداشت و باید به کارخانجات سفارش داده می‌شد، افزایش یافت. چنین سفارش‌هایی برای خرید میان شرکت‌های بزرگ تجاری و کارخانه‌های مشهور در کشورهای صنعتی به صورت مسئله‌ای اساسی در نظام اقتصادی مطرح شد. افزایش مداوم جمعیت و در نتیجه افزایش درخواست کالاهای صنعتی و نوپیدایی که اختراعات و فناوری جدید آنها را به وجود آورد و باعث راحتی زندگی، صرفه‌جویی در وقت و کم کردن مشکلات زندگی شده است، توجه و رویکرد مردم به این قرارداد را بیشتر کرده و همه جنبه‌های زندگی را فراگرفته است. این امر شامل بهداشت عمومی و خصوصی، پیشگیری و درمان، اغذیه و صنایع غذایی، خانه‌داری، تعلیم و تربیت، حمل و نقل، ارتباطات از راه دور، صنایع بزرگ و کوچک، لباس‌های متنوع، وسایل کشاورزی، مبارزه با حشرات و آفات، بسته‌بندی محصولات، سرگرمی و ورزش، وسائل روشنایی، تنظیف، گرم کردن، سرد کردن، منجمد کردن و... می‌شود. این روش به عنوان هدف

۱. این متن خلاصه‌ای از مقاله «ماهیت حقوقی قرارداد سفارش ساخت»، نوشته دکتر محمد صادقی است که به فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران ارائه شده و در شماره ۸ مجله به چاپ رسیده است.



مشترک میان صنعت و تجارت در تمامی دنیا جریان دارد و بسیاری از تولیدات کارخانجات از طریق سفارش ساخته می‌شود.

براین اساس سفارش ساخت همانند سابق در قلمرو نیازهای شخصی محصور نیست، بلکه می‌تواند افق‌های صنعتی در قلمرو وسیعی برای آن گشوده شود و در تولید کمیت‌های زیاد از کالاهای مثلی، نقش اساسی ایفا کند.

استفاده از سفارش ساخت در نظام بانکی به‌ویژه بانک‌های اسلامی نیز رونق چشم‌گیری داشته است. بانک‌های اسلامی برای اجتناب از ربا، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌های خود را در قالب عقود شرعی انجام می‌دهند. یکی از این عقود که مورد استقبال بانک‌ها به‌ویژه در کشورهای عربی و بانک توسعه اسلامی قرار گرفته است، قرارداد سفارش ساخت می‌باشد. بانک‌های اسلامی با ورود به این عرصه، تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و کوچک را برعهده گرفته و به امر تولید رونق بخشیده‌اند؛ درمقابل نیز به سود موردنظر خود بدون ربا دست می‌یابند.

این امر به‌ویژه در پروژه‌های بزرگی مانند انبوه‌سازی ساختمان، تأسیس کارخانجات، هتل‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، انبارها، سیلوها، سدسازی، راه‌سازی، کشاورزی، حمل و نقل هوایی، دریایی و ریلی کاربرد بسیاری داشته است. بانک ممکن است فقط سرمایه لازم برای یک پروژه معین را فراهم سازد و ممکن است علاوه بر این امر، ساخت یا تکمیل یک پروژه را خود برعهده گیرد.

سفارش ساخت در فقه امامیه سابقه چندانی ندارد، ولی در میان فقهای متأخر، برخی به طرح این بحث پرداخته‌اند و در یافتن راه حلی برای توجیه اهمیت قرارداد سفارش ساخت، برآمده‌اند؛ ازجمله می‌توان به مقاله‌ای اشاره کرد که آیت‌الله مؤمن و آیت‌الله هاشمی شاهرودی در این باره ارائه کرده‌اند. همچنین برخی اساتید حوزه علمیه قم در درس خارج فقه، به مناسبت موضوعاتی چون اجاره، به بحث سفارش ساخت پرداخته‌اند. در حقوق ایران سفارش ساخت به‌عنوان مبحث مستقلی مطرح نشده است و در کتب حقوقدانان به چشم نمی‌خورد؛ گرچه برخی حقوقدانان در ذیل مبحث بیع یا اجاره، به سفارش ساخت اشاره کرده‌اند.

همچنین به دلیل کاربرد سفارش ساخت در نظام بانکی و نیاز سیستم بانکی به وجود چنین قراردادهایی برای سهولت امور بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی اخیراً به انجام تحقیق درباره این قرارداد و به دست آوردن نظرات فقهی و حقوقی درباره آن اقدام نموده است که نتیجه آن درج عقد استصناع در ضمن عقود بانکداری اسلامی است. برخی اقتصاددانان نیز از منظر علم اقتصاد، این موضوع را بررسی کرده‌اند.

در فقه اهل سنت، سفارش ساخت سابقه طولانی دارد و به‌طور وسیع و گسترده بحث و بررسی شده است. در کتب فقهی اهل سنت در ذیل بحث قرارداد بیع یا سلم، معمولاً سفارش ساخت با عنوان استصناع مطرح شده است و نظریه‌های مطرح، ادله، شرایط، احکام و آثار آن در مذاهب گوناگون بیان شده است.

مجمع فقهی سازمان کنفرانس اسلامی جلساتی را به بحث و بررسی سفارش ساخت و چگونگی استفاده از این قرارداد در عصر حاضر پرداخته است که در آن فقها و حقوقدانان مقالات علمی را ارائه کرده‌اند.



حقوقدانان اهل سنت نیز به تبع از فقه اهل سنت، این مسئله را در کتب حقوقی خود مطرح کرده‌اند و برخی کتاب، مقاله یا رساله خاص را بدان اختصاص داده‌اند.

این قرارداد از نظر اقتصادی نیز بحث شده است و کتاب‌های بسیاری درباره نحوه به‌کارگیری سفارش ساخت در سیستم بانکی، در کشورهای اسلامی نگارش یافته است.

در حقوق خارجی و غربی، استفاده از سفارش ساخت در ذیل بحث‌هایی مانند بیع، اجاره و پیمانکاری مطرح شده است.

منابع

۱. مؤمن قمی، محمد؛ کلمات سدیة فی مسائل جدیدة؛ قم: جامعة المدرسين مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲. موسوی سبزواری، سیدعبدالأعلی؛ مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام؛ قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۴۱۳ق.
۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.
۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ کتاب الإجارة؛ مؤسسه الفقه و معارف اهل بیت ع، ۱۴۳۳ق.



آشنایی با آزمون قضاوت



قضاوت بر دو گونه است:

۱. کشف حقیقت در نزاع چند نفر: در نهایت به ارائه حکمی از سوی نهاد متصدی قضاوت و لازم‌الاجرا از سوی حکومت و برای پایان‌دادن به اختلاف میان آنها می‌انجامد.
 ۲. داوری کردن برای رفع نزاع و کشمکش در میان مردم: یکی از منصب‌هایی که از سوی خداوند برای پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و از جانب آنها برای فقیه جامع‌الشرایط تعیین شده است. آزمون قضاوت یکی از اهداف دانشجویان رشته حقوق و فقه و حقوق است که دارای شش مرحله می‌باشد:
۱. آزمون تستی؛ ۲. آزمون تشریحی؛ ۳. مصاحبه علمی؛ ۴. گزینش؛ ۵. اختبار نهایی؛ ۶. دوره کارآموزی (مرحله آموزشی).

مراحل آزمون قضاوت

۱. آزمون تستی

□ منابع آزمون تستی برای داوطلبان دانشگاهی

- استعداد شغلی (ضریب ۲)
- حقوق مدنی (ضریب ۳)



- حقوق تجارت (ضریب ۲)
- حقوق جزای عمومی (ضریب ۳)
- حقوق جزای اختصاصی (ضریب ۲)
- آیین دادرسی مدنی (ضریب ۲)
- آیین دادرسی کیفری (ضریب ۲)

□ منابع آزمون تستی برای داوطلبان حوزوی

- فقه شامل بیع مکاسب (ضریب ۱)
- اصول فقه شامل جلد ۱ کتاب کفایت الأصول از ابتدای کتاب تا پایان مقصد ۵ (ضریب ۱)
- اصول فقه شامل الحقه الثانیه شهید صدر (ضریب ۱)
- فقه شامل پانزده کتاب از شرح لمعه: قضا، شهادت، متاجر، دین، ضمان، صلح، اجاره، وکالت، شفعه، وصایا، نکاح، حدود، قصاص، دیات (ضریب ۱)
- اگر در این مرحله ۶۰ درصد بیاوریم وارد مرحله بعد می‌شویم.

۲. آزمون تشریحی

□ منابع آزمون تشریحی

- حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی (۱ سؤال)
- حقوق جزای عمومی و اختصاصی و آیین دادرسی کیفری (۱ سؤال)
- حقوق تجارت (۱ سؤال)
- در این مرحله هدف فقط سنجش قدرت و استدلال و تحلیل حقوقی داوطلبان است و اگر متقاضی، پنجاه درصد نمره را بیاورد، وارد مرحله بعد می‌شود.

۳. مصاحبه علمی

اگر داوطلب در آزمون قبلی، نمره لازم را کسب کند، به مصاحبه دعوت می‌شود و از او درمورد چهار درس ذیل، پرسش‌هایی می‌شود:

- حقوق مدنی
- حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی
- آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی
- مصاحبه‌کنندگان روانشناس نیز هستند. آنها می‌خواهند نحوه رفتارکردن، صحبت کردن و استرس شما را بسنجند.

نمره این مرحله ۱۰۰ است؛ اگر ۶۰ امتیاز کسب کنید، وارد مرحله گزینش می‌شوید.



۴. گزینش

داوطلبانی که مراحل قبل را با موفقیت پشت سر گذارند، به اداره گزینش می‌روند و برای داوطلب تشکیل پرونده می‌دهند.

داوطلب علاوه بر ارائه مدارک معرفی شده از سوی قوه قضائیه، دو نسخه برگه تعدیل و توثیق دریافت می‌کند که باید به امضای امام جمعه / قاضی / استاد دانشگاه برسد. پس از گذشت دو تا چهار هفته، داوطلب به آزمون‌های تستی و حضوری روان‌شناسی دعوت می‌گردد. در این آزمون‌ها منبع دقیقی معرفی نشده است و صرفاً جهت ارزیابی شخصیت و وضعیت روحی و روانی فرد است. پس از مصاحبه روان‌شناسی، نوبت به تحقیقات محلی و سپس گزینش عقیدتی می‌رسد.

۵. اختبار نهایی

در این مرحله داوطلب به وسیله دو نفر از قضات عالی‌رتبه دیوان عالی کشور و یک نفر به عنوان رئیس گزینش، مورد پرسش قرار می‌گیرد که در صورت قبولی در آن، مراحل آزمون به پایان می‌رسد.

۶. دوره کارآموزی (مرحله آموزش)

دوره کارآموزی یک سال طول می‌کشد (دانشجویان دکتری شش ماه). در این دوره علاوه بر گرفتن حقوق (حدود یک میلیون تومان)، باید حدود پنجاه امتحان را پشت سر بگذارد. هرچه در این دوره شایستگی بیشتری نشان دهد، می‌تواند در شهرهای بهتر یا هر جا تمایل داشته باشد، آغاز به کار کند. البته اکنون هدف بومی‌گزینی است.

شرایط آزمون قضاوت

۱. شرایط عمومی

- تابعیت ایرانی؛
- اعتقاد به دین اسلام؛
- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- داشتن سلامت جسمی و روانی؛
- عدم وابستگی به حزب و گروه خاص؛
- داشتن حسن شهرت اخلاقی؛
- داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت پزشکی؛
- عدم اعتیاد به دخانیات و مواد روان‌گردان؛
- نداشتن سابقه محکومیت کیفری؛



- داشتن حداقل سن ۲۲ سال و حداکثر ۴۰ سال؛
- طهارت مولد.

۲. شرایط اختصاصی

از جمله شرایط اختصاصی، دارا بودن یکی از مدارک دانشگاهی یا حوزوی ذیل است:

- کارشناسی حقوق؛
- کارشناسی فقه و حقوق؛
- کارشناسی الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق؛
- کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق؛
- کارشناسی ارشد الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق؛
- سطح ۲ حوزوی یا بالاتر.



جایگاه علم فقه از دیدگاه ائمه اطهار

باتوجه به اینکه علم فقه، روش زندگی انسان را در ابعاد گوناگون شخصی، اجتماعی و سیاسی به او می‌آموزد، در عرصه روایات دینی اهمیت بسیاری به فقه داده شده است؛ از جمله:

الف) در بعضی از روایات، فقه به عنوان ستون دین و بالاترین عبادت به حساب آمده است: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَهُ وَدَعَامَهُ هَذَا الدِّينُ الْفَقْهُ» (علاءالدین علی بن حسام، ۱۴۱۳ هجری قمری، حدیث ۲۸۷۶۸)، «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفَقْهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۶ هجری قمری، جلد ۱، صفحه ۲۹) و برترین چیزی معرفی شده است که خدای متعال با آن مورد پرستش واقع می‌شود: «مَا عُبِدَ اللَّهُ تَعَالَى بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْفَقْهِ فِي الدِّينِ» (السرخسی، ۱۴۱۴ هجری قمری، جلد ۱، صفحه ۱۰).

ب) در روایات، یادگیری فقه به عنوان فریضه هر مسلمانی ذکر شده است که باید آن را از اهلش فراگرفت، فریضه‌ای که تعلیم آن برای خداوند «حسنة»، فراگیری آن «عبادت»، بحث و گفت‌وگو درباره آن «تسبیح»، عمل کردن به آن «جهاد»، یاد دادن آن به کسی که آن را نمی‌داند «صدقه» و بذل و بخشش آن به اهلش «تقرب إلى الله» است:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ مِظَانِهِ وَاقْتَبِسُوا مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ وَ طَلَبُهُ عِبَادَةٌ وَ الْمَذَاكِرَةُ بِهِ تَسْبِيحٌ وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ وَ تَعْلِيمُهُ مِنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قَرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ مَنَارُ سَبِيلِ الْجَنَّةِ (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ هجری قمری، صفحه ۵۶۹، حدیث ۲).

ج) در روایتی از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «مُسْلِمَانِي كَهَ بَرَاءِي يَادْغِيرِي فَقْهَ بَرْنَامَه رِيزِي نَكْرَدَه وَ رُوزِي اَز هَفْتَه رَا بَه اَن اَخْتِصَاصَ نَمِي دَهْد، بَه رَاسْتِي شَايِسْتَه سِرْزَنَش اَسْت» (علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۷۶، حدیث ۴۴)

د) تعبیرات قابل توجهی درباره «فقیه» (یعنی صاحب بصیرت در دین) در روایات وارد شده است که به ذکر بعضی از آنها اکتفا می‌شود:

۱. مؤمنان فقیه، قلعه‌ها و دژهای محکم اسلام‌اند و از اسلام حفاظت می‌کنند؛ همانند حفاظت دیوار شهر نسبت به شهر: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سَوْرِ الْمَدِينَةِ لَهَا» (فقه الاسلام کلینی، جلد ۱، صفحه ۳۸، حدیث ۳).

۲. وجود یک فقیه برای ابلیس از هزار عابد، سخت‌تر و شدیدتر است: «فَقِيهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ» (علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۷۷، حدیث ۴۸).

۳. هیچ مرگی برای ابلیس محبوب‌تر از مرگ فقیه نیست: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ



إبليس من موت فقيهه» (ثقه الاسلام كليني، جلد ١، صفحه ٣٨، حديث ٢).
٤. فقيهان رهبران جامعه اند و نشستن نزد آنان عبادت است: «الفقهاء قادة والجلوس إليهم عبادة» (علامه مجلسي، جلد ١، صفحه ٢٠١)

منابع

١. سرخسي، محمد بن احمد بن ابي سهل شمس الأئمه؛ اصول سرخسي؛ بيروت: انتشارات دائرالمعرفه، ١٤١٤ق.
٢. شيخ صدوق؛ الخصال؛ قم: انتشارات جامعة المدرسين، ١٤١٦ق.
٣. شيخ طوسي؛ الأمالي؛ قم: انتشارات دارالثقافه، ١٤١٤ق.
٤. علاء الدين علي بن حسام؛ كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال؛ بيروت: انتشارات الرساله، ١٤١٣ق.
٥. علامه مجلسي؛ بحار الأنوار؛ ايران: انتشارات دارالكتب الإسلاميه.
٦. كليني؛ الكافي؛ قم: انتشارات دارالحديث.



۱. پیشینه رشته

دانش فقه، قدیمی ترین و اصیل ترین رشته از دانش های دینی و اسلامی است که پایه های آن در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار (ع) نهاده شده است و به جهت نیاز فراوان مسلمانان به احکام الهی در زندگی روزمره، رشد و بالندگی بسیاری داشته است. این دانش تا پیش از تأسیس دانشگاه در ایران، اصلی ترین دانش مورد توجه در حوزه های علمیه بوده است و هم اکنون نیز طلاب حوزه های علمیه، فقه را به عنوان محوری ترین درس حوزوی می آموزند، ولی تأسیس دانشگاه، برای نخستین بار به صورت رشته دانشگاهی در سال ۱۳۱۳ در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات امروزی) دانشگاه تهران تدریس شد.

۲. موضوع رشته

فقه در لغت به معنای مطلق فهم یا فهم دقیق مسائل نظری است و در اصطلاح، استخراج و استنباط احکام شرعی از منابع دینی همانند قرآن، سنت، عقل و اجماع است. انسان پس از ایمان به خداوند و دین آسمانی اسلام، از آنجاکه خود را بنده خداوند می شمارد، بر خود لازم می داند رفتار و کردار خود را در همه جنبه های زندگی بر اساس قانون آسمانی و شریعت اسلام انجام دهد؛ از آن رو که او امر و نواهی شریعت در همه وقایع و رویدادها روشن و مشخص نبوده است، تعیین وظیفه انسان در برابر شریعت آسمانی، نیازمند بحث علمی دقیق و بررسی گسترده ای است؛ بنابراین دانشی در میان مسلمانان پدید آمد تا عهده دار کشف و تنظیم این وظایف به نحو مدوّن شود. این دانش همان فقه بوده که عبارت است از آشنایی مستدل با تعیین وظیفه شرعی انسان در برابر هر واقعه و وظیفه شرعی یعنی نحوه رفتاری که تبعیت از دین، انسان را بدان وامی دارد تا طبق آن عمل کند؛ چنان که فرد در تشخیص حکم فعل خود نیازمند حجت شرعی برخاسته از فقه است.

۳. کارکردها و توانمندسازی های رشته

اداره جامعه و حکومت در جهت اعمال حاکمیت خود از طریق نهادها و نظام ها، محتاج به حجت شرعی است که فقه در حوزه نظام سازی متکفل این مهم است و همین نکته باعث تأکید بر فقه های مضاف و بین رشته ای در دانشگاه شده است.

در فقه، مباحث پیرافقهی همچون فقه های مضاف (فقه السیاسه، فقه القضاء، فقه الإقتصاد، فقه الإدارة، فقه النظام، فقه المالکیة الفکریة و...) و فلسفه فقه که مسائلی چون فقه المقاصد و فقه العلل را دربردارد و فلسفه



فلسفه فقه که ناظر به دانش اصول فقه است. براین اساس از جمله فعالیت‌های علمی امکان‌پذیر به وسیله دانش‌آموختگان این رشته می‌توان به پژوهش در این گونه مباحث که روزآمد و پُرکاربرد است، اشاره کرد. این مهم می‌تواند خدمتی به دانش فقه آل محمد ﷺ و تولید علم باشد. گفتنی است از آنجاکه قوانین مدنی و جزایی ایران برگرفته از دانش فقه است و حتی مابقی قوانین و مقررات نیز لازم است هیچ مغایرتی با موازین فقهی نداشته باشد، اهمیت این رشته دوچندان می‌شود.



۴. هدف رشته

۱. تربیت اساتید مورد نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در رشته‌های الهیات و حقوق از طریق دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری؛
۲. تربیت محققان و پژوهشگران مورد نیاز مراکز علمی و تحقیقاتی از طریق دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری؛
۳. تربیت کارشناسان مورد نیاز دستگاه قضایی کشور؛
۴. تربیت کارشناسان توانا به منظور خدمت‌رسانی در قسمت‌های کارشناسی مراکز دولتی و



گفتنی است این رشته از نظر فرصت‌های شغلی با رشته حقوق برابر است. فارغ‌التحصیلان می‌توانند در مشاغل قضاوت، وکالت، سردفتری دفتر اسناد رسمی، دفاتر طلاق و ازدواج و مشاوره حقوقی مشغول به کار شوند.

مشخصات کلی برنامه و واحدهای درسی دوره کارشناسی فقه و حقوق اسلامی

الف) دروس عمومی دوره کارشناسی فقه و حقوق		دروس تخصصی دوره کارشناسی فقه و حقوق اسلامی	
نام درس	تعداد واحد	نام درس	تعداد واحد
ادبیات فارسی (فارسی عمومی)	۳	تاریخ فقه و فقها	۲
زبان انگلیسی عمومی	۳	حقوق اساسی	۲
تربیت بدنی (۱)	۱	حقوق اداری	۲
تربیت بدنی (۲)	۱	حقوق مدنی (۱)	۲
تعلیم و تربیت اسلامی	۲	حقوق مدنی (۲)	۲
جمعیت و دانش خانواده	۲	حقوق مدنی (۳)	۲
جمع :	۱۲	حقوق مدنی (۴)	۲
ب) دروس پایه دوره کارشناسی فقه و حقوق		حقوق مدنی (۵)	۲
تفسیر قرآن (آیات الاحکام)	۲	حقوق مدنی (۶)	۲
ادبیات عرب (۱)	۴	حقوق تجارت (۱)	۲
ادبیات عرب (۲)	۴	حقوق تجارت (۲)	۲
منطق حقوق	۲	حقوق بین الملل عمومی	۲
مقدمه علم حقوق	۲	حقوق بین الملل خصوصی	۲
مبانی اصول فقه	۳	آیین دادرسی مدنی (۱)	۲
کلام (۱)	۲	آیین دادرسی مدنی (۲)	۲
کلام (۲)	۲	حقوق جزای عمومی (۱)	۲
زبان تخصصی (۱)	۲	حقوق جزای عمومی (۲)	۲
زبان تخصصی (۲)	۲	حقوق جزای اختصاصی (۱)	۲
درایه الحدیث	۲	حقوق جزای اختصاصی (۲)	۲
جمع :	۲۷	آیین دادرسی کیفری	۲
ج) دروس تخصصی دوره کارشناسی فقه و حقوق		جمع :	۹۰
اصول فقه (۱)	۴	د) دروس اختیاری دوره کارشناسی فقه و حقوق	
اصول فقه (۲)	۴	فقه پزشکی	۲
اصول فقه (۳)	۴	فقه سیاسی	۲
اصول فقه (۴)	۴	فقه اقتصادی	۱
فقه (۱)	۴	قواعد فقه قضایی	۱
فقه (۲)	۴	کار تحقیقی (۱)	۱
فقه (۳)	۴	کار تحقیقی (۲)	۱
فقه (۴)	۴	کار آموزی قضایی	۱
فقه (۵)	۴	حقوق کار	۲
فقه (۶)	۴	حقوق ثبت	۲
فقه (۷)	۲	ادله اثبات دعوی	۲
فقه (۸)	۲	منطق	۳
فقه تطبیقی	۲	کلام جدید	۲
قواعد فقه مدنی	۲	حقوق تطبیقی	۲
قواعد فقه جزایی	۲	اخلاق حقوق و قضا	۱
		جمع :	۲۳





نگاه فقهی و حقوقی به جهیزیه

زهرا مؤمنی

مقدمه

نکاح به عنوان امری طبیعی و پسندیده در تمامی جوامع پذیرفته شده است؛ اگرچه اشکال و کیفیات خاص خود را دارد. نکاح به عنوان رویدادی به یادماندنی در خاطرات اشخاص ثبت می‌گردد؛ رویدادی که آغاز یکدل‌شدن‌ها و گذشت از منیت‌هاست. هنگامی که مسئله نکاح مطرح می‌شود، تبعاً بحث تهیه جهیزیه به عنوان لازمه زندگی مشترک جدید مطرح می‌گردد. امروزه مطابق عرف جامعه، جهیزیه به وسیله زوجه یا خانواده وی تهیه می‌شود و زوجه با خود به منزل زوج می‌برد، ولی آیا در قانون و شرع نیز تهیه جهیزیه از تکالیف زوجه محسوب می‌شود یا از تکالیف زوج قلمداد شده است؟ در اینجا به بررسی جهیزیه از منظر حقوقی و فقهی خواهیم پرداخت.

ماهیت جهیزیه

جهیزیه در لغت به معنای اسباب و اثاثیه است. در قانون مدنی ایران، تعریفی از جهیزیه نیامده و ماهیت حقوقی آن نیز مشخص و تصریح نشده است. آوردن جهیزیه به معنای انصراف از مالکیت یا شریک ساختن شوهر در آن نیست بلکه حق مالکیت زن باقی می‌ماند به علاوه شوهر نیز از منافع آن بهره مند می‌شود و می‌تواند به طور متعارف این اموال را استعمال کند. از نظر حقوقی آوردن جهیزیه نوعی اباحه تصرف است و هیچ حقی برای شوهر ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین هرگاه زن بخواهد می‌تواند جهیزیه را مسترد نماید.



مسئول تهیه جهیزیه در حقوق و شرع

در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی تهیه نفقه زن بر عهده مرد است و در ماده ۱۱۰۷ ق.م. نفقه این گونه تعریف می شود: «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض»؛ بنابراین از نظر حقوقی، تأمین اثاث منزل (جهیزیه) به عنوان مصداقی از نفقه و متناسب با وضعیت زن، از تکالیف مرد به شمار می آید. از طرف دیگر در شریعت اسلام، به طور کلی شوهر دو تکلیف مالی نسبت به زن دارد؛ نخست، مهریه که مقدار آن در زمان عقد با توافق زوجین تعیین می شود و دیگری نفقه که یک حق و دین مالی است و زن می تواند آن را از همسرش مطالبه کند. نفقه، حکمی تکلیفی است که حتی اگر زن استطاعت مالی داشته باشد، از گردن مرد ساقط نمی شود؛ بنابراین از نظر فقهی شکی نیست که تأمین تمامی وسایل زندگی برعهده شوهر بوده، وی باید وسایل مورد نیاز زندگی را تأمین کند.

بنابراین قانوناً و شرعاً زوجه تکلیفی برای بردن جهیزیه و تأمین اثاث مورد نیاز زندگی ندارد و این مهم برعهده مرد است اما در جامعه کنونی زوجه جهیزیه را تهیه و با خود به منزل زوج می برد لذا می توان گفت این موضوع از مواردی است که عرف از قانون و شرع سبقت گرفته است.

میزان و مصادیق جهیزیه

همان طور که ذکر شد در قانون مدنی، جهیزیه مصداقی از نفقه محسوب می شود و تهیه آن متناسب با وضعیت زن از تکالیف مرد محسوب می شود. در واقع قانون حد مادی خاصی برای جهیزیه در نظر نگرفته و حدود آن را متناسب با وضعیت زن و متعارف بودن می داند.

در فقه گفته شده اگر شوهر توانایی خرید و تأمین اثاث مورد نیاز زندگی را نداشته باشد، زن باید به حداقل امکانات شوهر قناعت کند. امام خمینی^ع نیز در کتاب *تحریر الوسیله* می فرماید: «نفقه شرعاً اندازه ای ندارد، بلکه قاعده این است که مرد برای رفع آنچه زن به آن احتیاج دارد، قیام نماید» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۳۵).

دعای مرتبط با جهیزیه

در زمان بروز اختلاف میان زوجین، مسئله استرداد جهیزیه مطرح می شود. استرداد جهیزیه یعنی برگرداندن جهیزیه به مالک اصلی آن. برای استرداد جهیزیه باید دعای استرداد جهیزیه مطرح شود که امروزه بی شک یکی از دعاوی رایج





محاکم کشور است. استرداد جهیزیه همانند دیگر دعاوی مطالبه حق، نیازمند تقدیم دادخواست است. طبق بند ۵ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، رسیدگی به دعاوی جهیزیه در صلاحیت دادگاه خانواده است؛ گرچه زوجه می‌تواند با مراجعه به شورای حل اختلاف محل یا در دفاتر الکترونیک قضایی در تهران، نسبت به طرح، ثبت و تعقیب دادخواست استرداد جهیزیه به طرفیت زوج به‌عنوان همسر خود اقدام کند.

در دادخواست استرداد جهیزیه چند نکته وجود دارد:

در ستون دلایل و منضمات دادخواست، مدارک موجود ذکر می‌شود.

حتماً در ستون خواسته علاوه بر استرداد جهیزیه، ذکر شود: «صدور قرار تأمین خواسته پیش از ابلاغ». قرار تأمین خواسته یک اقدام احتیاطی است و باعث می‌شود اموال در منزل زوج توقیف شود و زوج، امین تلقی گردد؛ در این صورت زوج حق خارج کردن لوازم از منزل را ندارد؛ زیرا اموال در محل توقیف شده‌اند. همچنین از آنجاکه زوج امین اموال محسوب می‌شود، هر اتفاقی برای اثاث بیفتد، زوج مسئول است و طبق قانون به جبران خسارت ملزم می‌شود.



برگ دادخواست به دادگاه عمومی

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر - خیابان - کوچه - شماره پلاک
خواهان					
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی					
تعیین خواسته و بهای آن	استرداد جهیزیه مقوم به ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی با قرار تأمین خواسته				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- لیست جهیزیه "۳- مدرک مورد نیاز دیگر"				
ریاست محترم مجتمع قضایی "شهرستان محل اقامت خوانده" باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند: اینجانب به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه "شماره و نام شهرستان" منعقد کرده‌ام. نظر به اینکه جهیزیه به شرح لیست ضمیمه متعلق به اینجانب می‌باشد لذا مستنداً به ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم به محکومیت خوانده به استرداد آن به انضمام جمیع خسارات قانونی و هزینه دادرسی مورد استدعاست. ضمناً با توجه به اینکه خواسته در معرض تضییع می‌باشد به استناد ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بدو صدور قرار تأمین خواسته و اجرای قبل از ابلاغ آن وفق ماده ۱۱۷ آن قانون نیز تقاضا می‌شود. محل امضاء - مهر - انگشت					

دادخواست استرداد جهیزیه با قرار تأمین خواسته

شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی	رسیدگی فرمائید
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده:	
تاریخ	تاریخ / / امضاء	

چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۱/۱۲۶/۲۲۰۱ دفتر طرح و برنامه ریزی

مدارکی که می‌توان در ستون دلایل و منضمات دادخواست برای استرداد جهیزیه بدان استناد کرد،

عبارت‌اند از:

۱. عقدنامه.

۲. لیست جهیزیه (سیاهه): زمانی که زن جهیزیه را به منزل شوهر می‌برد، باید لیست کاملی از جهیزیه تهیه کند که شامل اقلام (لوازم) و ویژگی آنهاست؛ مثلاً ذکر کند یک تخته فرش دستبافت دوازده متری و «سیاهه» سند است و نکته مهم در مورد آن اینکه سیاهه باید به امضای زوج برسد؛ چون سیاهه جهیزیه نیز مانند هر سند دیگری در صورت داشتن امضا، به سند عادی تبدیل می‌شود و قابل استناد خواهد شد؛ پس امضای زوج در لیست جهیزیه لازم است. امضای زوج به سیاهه اعتبار می‌دهد، ولی اگر اثر انگشت شوهر در سیاهه درج شود، اعتبار سیاهه بیشتر خواهد شد. افزون‌براین بهتر است دست‌کم دو مرد که ترجیحاً از خویشاوندان داماد باشند، به عنوان شاهد ذیل لیست جهیزیه را امضا کنند. اگر سیاهه در دفترخانه اسناد رسمی تنظیم شود، حکم سند رسمی می‌یابد و قطعاً اعتبار بیشتری خواهد داشت که این امر در جامعه کنونی چندان متداول نیست.

در رویه عملی در استرداد جهیزیه، سیاهه (لیست اموال) ملاک قرار می‌گیرد و اموالی که در سیاهه ذکر شده‌اند و در حال حاضر موجودند، به زوجه مسترد می‌شود؛ بنابراین به دلیل اهمیت سیاهه، رعایت نکاتی که ذکر شد، اهمیت بسیاری می‌یابد.

۳. شهادت شهود: فقدان سیاهه که سند عادی یا سند رسمی برای اثبات مالکیت زوجه نسبت به اثار زندگی است، کار اثبات مالکیت زن را دشوارتر می‌کند و زن برای اثبات مالکیت بر جهیزیه خود، به شهادت شهود مراجعه می‌کند. البته پذیرش اینکه شهادت در این موضوع تا چه میزان اعتبار دارد، با قاضی رسیدگی پرونده است و قاضی می‌تواند این شهادت را بپذیرد یا نپذیرد. یکی از علت‌های نپذیرفتن قاضی این است که شهود جهیزیه، نسبت به جزئیات اطلاعات دقیقی ندارند.

۴. فاکتور خرید جهیزیه: اگر زن بتواند فاکتور خرید جهیزیه خود را به دادگاه ارائه دهد، می‌تواند با استناد به فاکتور، جهیزیه خود را مسترد نماید؛ بنابراین نگهداری فاکتور خرید جهیزیه از اهمیت بسیاری برخوردار است و همان‌گونه که حفظ ضمانت‌نامه اجناس مهم است، حفظ فاکتور خرید نیز مهم تلقی می‌شود؛ چراکه می‌توان آن را مدرک به‌شمار آورد و بدان استناد کرد. همچنین اهمیت فاکتور خرید فقط در مورد زوجه مطرح نیست؛ یعنی حتی زوج نیز می‌تواند با ارائه فاکتور خرید، مالکیت خود را بر آن کالا اثبات کند و از استرداد آن وسیله به زوجه خودداری کند؛ این امر به‌چه‌معناست و چگونه ممکن است؟

گاهی برخی خانواده‌ها لوازمی که زوج به‌عنوان کمک جهیزیه خریداری کرده است، جزء لیست جهیزیه آورده‌اند و زوج ذیل آن را امضا کرده است. از آنجاکه مالک حقیقی این وسایل، زوج است، وی می‌تواند با ارائه فاکتور خرید اجناس، مالکیت خود را اثبات کند و این اجناس را بگیرد و از استرداد آنها به زوجه خودداری نماید.

اگر سه مورد مذکور که به‌عنوان مدرک در دادگاه برای اثبات مالکیت زوج یا زوجه مورد استنادند، وجود نداشته باشند، دادگاه مطابق قوانین موجود، در مورد این وسایل حکم صادر می‌کند و تصمیم می‌گیرد؛ اکنون



این پرسش مطرح می‌شود که چگونه این امر محقق می‌شود؟

ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مقرر می‌دارد:

از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده زن باشد، متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد، متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون، مشترک بین آنان محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد. درحقیقت لوازم شخصی زوج برای زوج و لوازم شخصی زوجه به زوجه می‌رسد و اموال مشترک میان زوج و زوجه تقسیم می‌شود. ماده ۷۲ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا نیز به همین موضوع اشاره می‌کند. همچنین ماده ۳۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵، همین حکم را مقرر می‌دارد.

منابع

۱. خمینی، سیدروح‌الله؛ تحریرالوسیله؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۲. شفق، غلامرضا؛ مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران؛ قم: انتشارات دفتر عقل، ۱۳۸۸.
۳. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۲.
۴. نعمتی جبه‌دار، پریسا؛ «مسئولیت ناشی از مالکیت جهیزیه و آثار حقوقی آن بر زوجین»، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروندی؛ تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی توسعه داتیس، ۱۳۹۶.





تساوی دیه زن و مرد

فاطمه راجی

مقدمه

مدتی است انتشار رأی وحدت رویه‌ای از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور درباره دیه زن و مرد، خبرساز شده است. پس از انتشار رأی وحدت رویه‌ای از هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرداخت معادل تفاوت دیه زنان با مردان، مباحثی در این باره مطرح شد و برخی از آن به عنوان برابری دیه زن و مرد یاد کردند، در حالی که دیوان عالی کشور صرفاً از قانونی که در سال ۱۳۹۲ در این باره تصویب شده، رفع ابهام کرده است.

موضوع برابری دیه زن و مرد چیست؟

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه باتوجه به صراحت در ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی که طبق آن دیه قتل زن، نصف دیه قتل مرد است، ماجرایی برابری دیه زن و مرد از چه قرار است؟ قانون مجازات اسلامی جدید که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، در تبصره‌ای ذیل ماده ۵۵۱ مقرر داشته است: «در کلیه جانیاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود».

ماجرای این قرار است که چند شعبه تجدیدنظر استان‌های گوناگون با استنباط متفاوت از تبصره ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی، آرای متعارض صادر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی از این شعب، پرداخت تفاوت دیه زن و مرد از سوی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را منحصر به جنایت علیه نفس (قتل نفس) و برخی دیگر پرداخت آن را شامل مطلق جنایت علیه نفس و عضو دانسته‌اند؛ بنابراین هیئت عمومی دیوان عالی کشور باتوجه به حکم ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل جلسه داد و برای رفع تعارض، به صدور رأی وحدت رویه اقدام کرد؛ رأیی که همچون دیگر آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، برای دادگاه‌ها در حکم قانون است و فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بی‌اثر می‌شود. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی تأکید کرد: در کلیه جانیات علیه زنان، اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوط به آنان باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود و این موضوع اختصاص به «دیه نفس» ندارد.





نخستین بار در دهه هشتاد، بحث برابری دیه زن و مرد در تصادفات به میان آمد. در سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی به منظور حمایت از آسیب دیدگان و زیان دیدگان حوادث رانندگی با تصویب قانون تأسیس صندوق بیمه خسارت های بدنی مقرر کرد: مابه التفاوت دیه زن در قیاس با دیه مرد از طریق این صندوق (از محل هایی مانند جریمه، بیمه نامه و...) پرداخت شود.

متعاقباً قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری، شرکت های بیمه را مکلف کرد دیه جراحات زیان دیدگان ناشی از تصادفات را فارغ از جنسیت و مذهب، تا سقف دیه کامل مرد بپردازند.

در قانون مجازات اسلامی جاری بر پایه ماده ۳۰۰، دیه قتل زن مسلمان - اعم از عمد و غیر عمد - نصف دیه مرد مسلمان است. نصف بودن دیه حتی در سقط جنین که دختر یا پسر بودن در میزان دیه جنین تفاوت ایجاد می کند، جاری است. درباره اعضای بدن نیز تا هنگامی که دیه عضو به یک سوم دیه کامل نرسیده باشد، میان زن و مرد برابر است؛ چنانچه از مرز یک سوم بگذرد، دیه زن در مقایسه با مرد نصف می شود. به اعتقاد برخی کارشناسان، دیه مقدر زنان، حداقل خسارات ناشی از جنایت را تأمین می کند؛ بنابراین پیش بینی راهکار جبرانی هر چند محدود در قانون جدید مجازات اسلامی به منظور برقراری تساوی دیه زنان و مردان، علمی تر و بیانگر رغبت قانونگذار به تحول قوانین و تجدیدنظر در برخی احکام بر اساس مقتضیات زمان است.

در همان زمان، شرکت های بیمه پس از تصویب و ابلاغ این قانون اظهار کردند آنچه از آن به عنوان برابری حق دیه زن و مرد و اقلیت های دینی یاد می شود، درحقیقت با اصل قانون جدید بیمه شخص ثالث متفاوت است؛ چراکه قانونگذار در قانون جدید بیمه شخص ثالث، مقرر کرده است بیمه گذارانی که علاوه بر بیمه شخص ثالث، بیمه نامه دیگری با عنوان بیمه مازاد سرنشین خریداری کنند، در صورت بروز تصادفی که به نقص عضو یا فوت زن یا یکی از اقلیت های دینی منجر شود، از حق دیه ای برابر با مردان برای این افراد برخوردار خواهند شد. آنها تصریح می کنند که حق دیه زن و اقلیت های دینی برخلاف



آنچه رواج یافته است، با حق دیه مردان برابر نیست، بلکه فقط در صورت خریداری حق بیمه مازاد سرنشین، دیه‌ای که به زن یا یک اقلیت دینی تعلق می‌گیرد، با حق دیه مردان برابر است. این بهانه‌ها سبب شده بود هیچ‌گاه این قانون به درستی اجرا نشود و بیمه‌گذاران از اجرای آن سر باز زدند.





مقدار دیه زن و مرد از نظر فقهی

فاطمه رستمی

مقدمه

«قتل» پدیده‌ای است که بشر همواره با آن روبه‌رو بوده است و انسان برای بازداشتن افراد از تعدی به حق حیات دیگری تاکنون تدابیر گوناگون و متعددی را درپیش گرفته، آنها را تجربه کرده است. شریعت مقدس اسلام راهکارهای ویژه‌ای برای مقابله با این پدیده ناخوشایند و بازداشتن انسان‌ها از ورود بدان تشریع کرده است؛ به گونه‌ای که اگر قتل به صورت عمد تحقق یابد، شریعت اسلام حکم قصاص را برای جانی در نظر گرفته است و اگر به صورت غیرعمد واقع شود، برای آن دیه را تشریع کرده است و جانی را به پرداخت آن ملزم می‌کند. این تشریع بر اساس تصریح قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره نساء می‌باشد.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که «اینکه دیه زن و مرد متفاوت است، ناشی از چه نوع فلسفه و هدفی است؟».

ایازی در این باره می‌گوید:

در قرآن در مورد دیه تفاوتی بین زن و مرد مشاهده نمی‌شود. خداوند فرموده است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ»، اما در فقه ما و در دسته‌ای از روایات، این تفاوت به وجود آمده است؛ پس از منظر قرآن کریم فرقی بین زن و مرد از لحاظ دیه وجود ندارد (نساء: ۹۲).

امروزه برخی مراجع حوزه علمیه قم، بر مبنای همین حکم قرآنی، تفاوتی میان دیه زن و مرد در موضوع دیه نمی‌بینند؛ با این حال اغلب قریب به اتفاق فقها بر نصف بودن دیه زن حکم می‌کنند و برخی به برابری دیه زن و مرد در قتل قائل‌اند.





مبنای فقهی برابری دیه زن و مرد

اطلاق ادله: در قرآن کریم حکم دیه طی آیه ۹۲ سوره نساء آمده است:

و ما كان لمؤمن أن يقتل مؤمناً إلا خطأ و من قتل خطأ فتحرير رقبته مؤمنه و دية مسلمة إلى أهله إلا أن يصدقوا فإن كان من قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحرير رقبته مؤمنة و إن كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فدية مسلمة إلى أهله و تحرير رقبة مؤمنه فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله و كان الله عليمًا حكيمًا. آنها که به تساوی دیه زن و مرد قائل اند، می گویند این آیه اطلاق دارد و دیه مرد و زن را یکسان بیان می کند و دیه در اینجا لفظی است که به طور مطلق آمده است و ظاهراً بر برابری دیه زن و مرد دلالت دارد. همچنین در روایات گوناگونی که از طریق شیعه و سنی نقل شده، آمده است که حضرت رسول ﷺ دیه قتل انسان را یکصد شتر قرار داده است که در عرف مردم عربستان پیش از اسلام وجود داشته و پیامبر ﷺ آن را پسندیده است. در روایتی از امام باقر ﷺ نقل شده است که فرمود:

در بین وصایای پیامبر ﷺ به حضرت علی ﷺ آمده است که فرمود: یا علی! عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را رایج کرده بود که خداوند آنها را در اسلام تثبیت کرد؛ یکی از آنها این بود که دیه قتل انسان را یکصد شتر قرار داد و همین نیز در اسلام پذیرفته شد (شیخ العاملی، جلد ۱۹، صفحه ۱۴۵). از اهل سنت نیز نقل شده است که پیامبر ﷺ دیه قتل را یکصد شتر قرار داده است. در بسیاری از کتب اهل سنت، منبع اصلی صدور این کلام از پیامبر اکرم ﷺ، نامه پیامبر ﷺ به عمرو بن حزم است؛ هنگامی که او را به یمین فرستاد و از او خواست احکام و مقررات را به مردم ابلاغ نماید. در نامه مأموریت عمرو بن حزم، احکام چندی ذکر شده، از جمله طبق برخی نقل ها آمده است که دیه نفس، یکصد شتر است.

مبنای فقهی نصف بودن دیه زن

۱. آیات قرآن کریم

دکتر محمد صادقی تهرانی یکی از علمای معاصر است که به متفاوت بودن دیه زن و مرد قائل می باشد و مستندات این حکم را بخشی از آیه ۱۷۸ سوره بقره می داند که خداوند متعال می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا





کتاب علیکم القصاص فی القتل الحر بالحر والعبد بالعبد والأنتی بالأنتی ...». ایشان در ضمن ترجمه قرآن کریم نکاتی را در پاورقی می‌آورد که از جمله آنها نکته‌ای بدین شرح است: «این [مؤنث به مؤنث] نابرابری او را با مذکر اثبات می‌کند و دلیل قطعی است که خونبهای مؤنث کمتر از مذکر است؛ چنان [که الحر بالحر] هم مرد را برابر مرد دانسته است».

همچنین در مورد نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد از طریق شیعه روایتی وارد شده است؛ صاحب وسائل الشیعه می‌گوید: «در ضمن حدیثی که عبد الله بن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است که دیه زن نصف دیه مرد می‌باشد» (شیخ العاملی، صفحه ۱۵۱)

اهل سنت نیز به روایاتی منقول از برخی اصحاب و حضرت علی علیه السلام استناد کرده‌اند که دیه زن را نصف دیه مرد می‌داند؛ مثلاً از معاذ نقل شده است: «دیه زن نصف دیه مرد است» یا از حضرت علی علیه السلام روایت داریم که: «دیه زن نصف دیه مرد است؛ هم در نفس و هم در اعضا» (زحیلی، صفحه ۳۱۰) با توجه به اصل مسئله نصف بودن دیه زن نسبت به مرد، به غیر از روایات و دلایل نقلی که فقیهان به این امر اقامه کرده‌اند، توجیه عقلی و عرفی نیز برای این حکم ارائه شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۲. پایین تربودن نقش زن در وضعیت اقتصادی

از منظر عده دیگری از صاحب نظران اسلامی، نصف بودن دیه زن نسبت به مرد بدین گونه توجیه شده است که اصولاً دیه برای جبران خسارت وارده به مجنی علیه یا خانواده اوست و از آنجاکه مرد نقش بیشتر و مؤثرتری در زندگی اقتصادی دارد و از میان رفتن یا صدمه دیدن او لطمه بیشتری به وضع مالی خانواده وارد می‌آورد، به خصوص که در نظام حقوق اسلام اداره خانواده و مسئولیت تأمین معیشت خانواده با مرد است؛ پس دیه او باید بیشتر باشد. از این دیدگاه، دوبرابر بودن دیه مرد نسبت به زن به معنای پایین تربودن ارزش زن نیست، بلکه از این لحاظ است که تبعات ازدست دادن مرد یا صدمه دیدن او به لحاظ اقتصادی بیشتر از زن است.

نتیجه

قرآن کریم اصل پرداخت دیه به خانواده مقتول را در مورد قتل غیر عمدی تشریع کرده، آن را مقرر کرده است، ولی نه میزان آن را تعیین کرده، نه اشاره‌ای به تفاوت میان زن و مرد کرده است.

کارگاه حقوق

بروز جنون در مراحل گوناگون فرایند دادرسی کیفری

نوع وقوع جنون	نوع جرم	نوع تصمیم قضایی
جنون پیش از ارتکاب جرم و ارتکاب جرم در زمان افاقه	در تمامی جرایم	سبب رفع مسئولیت کیفری نیست؛ هرچند با لحاظ بند ۵ ماده ۳۸ ق.م.ا. امکان تخفیف وجود دارد.
جنون حین ارتکاب جرم	در تمامی جرایم	به استناد ماده ۱۴۹ ق.م.ا. جنون حین ارتکاب جرم با تحقق شرایط مقرر در ماده مذکور، رافع مسئولیت کیفری می باشد و نگهداری مجنون در محل مناسب مطابق مقررات ماده ۱۵۰ ق.م.ا. صورت خواهد گرفت.
جنون پس از ارتکاب جرم و تا پیش از صدور حکم قطعی	در جرایم غیرحق الناسی	با لحاظ تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک. تا زمان افاقه تعقیب و دادرسی متوقف می شود.
	در جرایم حق الناسی	اگر ادله اثبات جرم به نحوی باشد که درحالت افاقه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند، دراین صورت به ولی یا قیم یا سرپرست وی ابلاغ می شود که ظرف پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و دادرسی ادامه می یابد.



آیا می دانید های حقوق



امور حقوقی و قضایی از جمله مهم ترین موضوعاتی است که هر شهروند باید نسبت به آن دست کم به صورت کلی مطلع باشد، ولی در ایران علاوه بر اینکه متأسفانه در برنامه درسی آموزش های ابتدایی اثری از آموزش این امور دیده نمی شود، باورهای غلطی در این باره میان عامه مردم وجود دارد که به نوعی سینه به سینه به نسل های بعد منتقل شده است. از سوی دیگر همه افراد ممکن مالی برای استفاده از وکیل را ندارند. ضمن اینکه نمی توان انتظار داشت همه شهروندان به تحصیل در

رشته حقوق بپردازند. با این تفاسیر به نظر می رسد تنها راه، نقل و گسترش اطلاعات در این حوزه از طریق رسانه های جمعی باشد. در این میان صداوسیما به عنوان پُربیننده ترین رسانه، بیشترین نقش را دارد، ولی آنچه مشهود است، عدم موفقیت رسانه ملی در انتقال صحیح این موضوعات است که عموماً باعث بدآموزی و شکل گیری باورهای غلط میان عامه مردم شده است؛ برای نمونه در ذیل به بخشی از این باورها و آموزش های ناصحیح اشاره می شود.

□ پدر و مادر می توانند فرزند خود را از ارث محروم کنند!

هیچ کس نمی تواند وارث را از ارث محروم کند. وصیت نامه متوفی نیز فقط در مورد یک سوم میراث معتبر است. فقط وارثی که مورث خود را به قتل برساند، از ارث محروم می شود.



□ اگر گواهینامه رانندگی نداشته باشید و بر اثر تصادف باعث مرگ کسی شوید، مرتکب قتل عمد شده‌اید!

ابداً این گونه نیست؛ رانندگی بدون گواهینامه، تخلفی جداگانه است. اگر بدون گواهینامه باعث تصادف منجر به فوت شوید، افزون بر پرداخت دیه، به حداکثر دو سال حبس محکوم می‌شوید. تصادف منجر به مرگ، حتی اگر گواهینامه داشته باشید نیز علاوه بر دیه، بین شش ماه تا دو سال - بسته به تشخیص قاضی - حبس به دنبال خواهد داشت.

□ دیه ماه‌های حرام دوبرابر است!

این شایعه صحت ندارد؛ در ماه‌های حرام، دیه فقط یک سوم بیشتر از دیگر ماه‌هاست. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب. ماه صفر نیز برخلاف باور غلط عامه مردم، ماه حرام نیست.



حقوق شهروندی

هر جرمی مجازاتی دارد، ولی گاهی لازم است مجازات بیشتری در کنار مجازات اصلی بر مجرم بار شود تا براین اساس: «به فکر تکرار جرم نیفتد»، «زمینه بروز جرایم بعدی از میان برود» و «روند اصلاح مجرم سرعت بیشتری به خود گیرد». در این شرایط قاضی می‌تواند در حدود قانون و ضمن صدور حکم به مجازات اصلی، مجرم را به مجازات تکمیلی و مجازات تبعی نیز محکوم کند. مجازات بر اساس ضوابط گوناگون، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارد. بر اساس یک تقسیم‌بندی، مجازات به سه نوع اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می‌شود.

۱. مجازات اصلی

مجازات اصلی مجازاتی است که به‌طور خاص و مشخص در قانون برای هر جرم مشخص شده است. در قانون، مجازات اصلی به چهار دسته تقسیم می‌شود: «قصاص»، «حدود»، «دیه» و «تعزیر». حکمی که دادگاه صادر می‌کند، باید بر اساس قانون باشد؛ از این رو قانونگذار با تعیین مجازات اصلی برای هر جرم در قانون علاوه بر اینکه مانع سردرگمی قاضی در تعیین حکم می‌شود، باعث می‌شود افراد جامعه نیز بدانند مجازات هر جرم چیست و ترس ناشی از مجازات شدن تاندازه‌ای همانند یک بازدارنده عمل می‌کند.

مجازات‌های تکمیلی یا به‌تعبیری
تتمیمی، برای کامل کردن مجازات اصلی
از سوی قاضی تعیین می‌شود. بنابر اصل
قانونی بودن جرم و مجازات، دست
قاضی برای صدور مجازات‌های گسترده
بسیار باز و وسیع نیست، ولی در حدود
قانون می‌تواند مجازات‌های خاصی را
در کنار مجازات اصلی برای مجرم
در نظر بگیرد. هدف اصلی از وضع
مجازات‌های تکمیلی، اثربخشی بیشتر و
کمک به اصلاح رفتار مجرم است.



بر اساس ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم کند. مجازات‌هایی که قاضی صادرکننده حکم می‌تواند در ضمن حکم به مجازات اصلی، مجرم را به یک یا چند مورد از آنها محکوم کند، بدین شرح است:

(الف) اقامت اجباری در محل معین؛

(ب) منع از اقامت در محل یا محل‌های معین؛

(پ) منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین؛

(ت) انفصال از خدمات دولتی و عمومی؛

(ث) منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛

(ج) منع از داشتن دسته چک یا صدور اسناد تجاری؛

(چ) منع از حمل سلاح؛

(ح) منع از خروج اتباع ایرانی از کشور؛

(خ) اخراج بیگانگان از کشور؛

(د) الزام به خدمات عمومی؛

(ذ) منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی یا اجتماعی؛

(ر) توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم؛

(ژ) الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین؛

(س) انتشار حکم محکومیت قطعی.

صدور حکم درمورد مجازات تکمیلی برای دادگاه الزامی نیست، بلکه این امر در اختیار قاضی دادگاه می‌باشد و می‌تواند در صورتی که مصلحت بدانند، در کنار مجازات اصلی، حکم به مجازات تکمیلی نیز صادر کند و مجازات تکمیلی طبق قانون، حداکثر دو سال است. قاضی نمی‌تواند در تمامی پرونده‌ها مجرم را به مجازات تکمیلی محکوم کند، بلکه صرفاً زمانی اختیار دارد در کنار حکم به مجازات اصلی، مجرم را به مجازات تکمیلی نیز محکوم کند که مجازات اصلی مجرم یکی از موارد ذیل باشد:

(الف) در صورتی که مجرم به مجازات‌های حدی محکوم شود.

(ب) در صورتی که مجرم به قصاص عضو و قصاص نفس محکوم شود و حکم قصاص نفس به هر دلیلی اجرا نشود.

(پ) در صورتی که مجرم به مجازات حبس بیشتر از شش ماه محکوم شود.

(ت) در صورتی که مجرم به پرداخت جزای نقدی بیشتر از دویلیون تومان محکوم شود.

(ث) در صورتی که مجرم به شلاق تعزیری بیش از ۳۱ ضربه محکوم شود.

محکوم به مجازات تکمیلی باید دقیقاً دستور دادگاه را اجرا کند و اگر از اجرای دستور دادگاه سرپیچی

کند، به ضمانت اجرای مقرر در قانون محکوم می‌شود. بر اساس ماده ۲۴ قانون مجازات، چنانچه محکوم طی



مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت نکند، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای مرتبه نخست، مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می کند. همچنین پس از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم، در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

۲. مجازات تبعی

مجازات تبعی یکی از مجازات هایی است که در حکم دادگاه قید نمی شود، ولی به صورت اتوماتیک یک سری محرومیت از حقوق اجتماعی است که در مورد شخص محکوم اعمال می شود؛ یعنی مجازات تبعی در حکم دادگاه نوشته نمی شود، ولی اگر فردی به مجازات خاصی محکوم شود، به گونه اتوماتیک وار از یک سری حقوق اجتماعی محروم می شود؛ برای مثال نمی تواند کاندید یا عضو هیئت مدیره شرکت شود.



محور اصلی مجازات تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی است و مدت زمان این محرومیت بر اساس نوع جرم متفاوت خواهد بود. بیشترین مدت محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت هفت سال تعیین شده است که به محکومان به مجازات های سالب حیات مربوط می شود که به هر دلیلی توانسته اند از مجازات جان سالم به در ببرند. بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

- الف) هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
- ب) سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار
- پ) دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی

علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.
محرومیت‌های اجتماعی که در قانون جدید بر محکومان بار می‌شود دایره وسیعی از حقوق شهروندی و فردی را شامل می‌شود که به تصریح در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است. بر اساس این ماده حقوق اجتماعی که شخص از آنها محروم می‌شود عبارتند از:

الف) داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا

ب) عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور
پ) تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری
ت) انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم
ث) عضویت در هیئت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف

ج) اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی
چ) استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظارت رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مامور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها

ح) اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

خ) انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام

د) انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی

ذ) استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری

ر) تاسیس اداره یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

مجازات‌های تبعی در جرایم قابل گذشت، تابع جرم‌اند و در صورت گذشت شاکی و موقوف شدن تعقیب

یا مجازات اصلی، مجازات تبعی نیز برداشته می‌شود.



گزارش نوشتاری و دیداری از فعالیت‌های انجمن

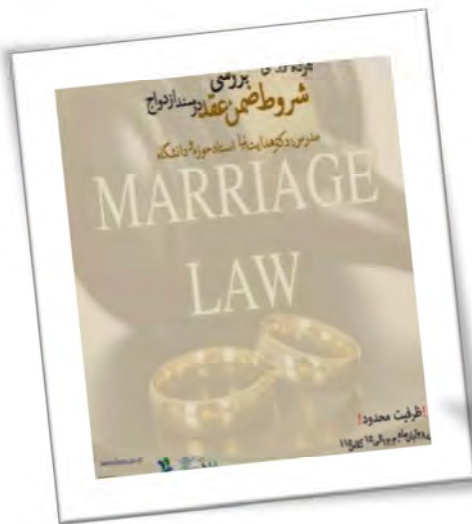
انجمن علمی فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه (ص) واحد قم از مهرماه سال ۱۳۹۷ فعالیت‌های خود را با قدرت و انگیزه فراوان آغاز کرده، اقداماتی باهدف پیشرفت علمی دانشجویان این دانشگاه و آشنایی بیشتر دانشجویان با مباحث تخصصی علم فقه و علم حقوق انجام داده است. درذیل به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود.

۱. برگزاری کارگاه‌های علمی و تخصصی

نخستین کارگاه علمی و آموزشی با موضوع پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در حوزه زنان و با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین یزدی - معاون پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه - در سالن همایش‌های دانشکده علوم انسانی دانشگاه حضرت معصومه (س) در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۷/۳۰ برگزار شد که در آن پرونده‌های قضایی ارائه شد و اطلاعات سودمندی به دانشجویان منتقل گردید.



انجمن علمی فقه و حقوق در دومین کارگاه خود با دعوت از دکتر فرج الله هدایت‌نیا – استاد حوزه و دانشگاه، دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نیز کارشناس حقوق خانواده برنامه تلویزیونی آفتاب شرقی – موضوع شروط ضمن عقد در سند ازدواج را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. این کارگاه آموزشی در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸ از ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۵ برگزار گردید و با استقبال گرم و بی‌نظیر دانشجویان همراه شد.

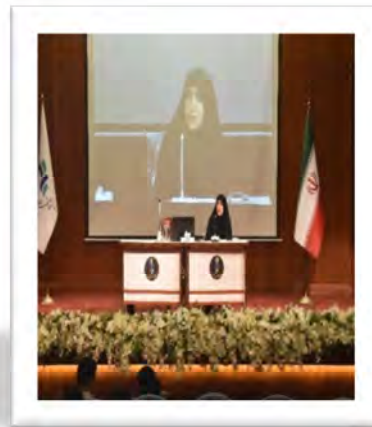


برای آشنایی دانشجویان با مباحث پولشویی (FATF)، انجمن علمی فقه و حقوق با همکاری انجمن علمی حقوق، کارگاه تخصصی تازه‌های حقوقی را با موضوع بررسی ابعاد حقوقی پولشویی از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی و آثار حقوقی آن و نیز با حضور دو استاد برجسته حضرات آقایان دکتر فریبرز صفری – عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) – و دکتر علیمیراد حیدری – دانشیار و مدیر گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س) – در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱/۱۹ ساعت ۱۳ الی ۱۵ در سالن همایش دانشکده برگزار کرد که در پایان کارگاه برای شرکت‌کنندگان گواهی حضور صادر شد.



۲. برگزاری همایش‌های باشکوه

باتوجه به پیشنهاد‌های ارائه‌شده ازسوی دانشجویان برای بررسی عوامل مؤثر در ازدواج موفق، انجمن فقه و حقوق با همکاری همیاران سلامت، همایشی باشکوه با موضوع «ازدواج موفق و راهبردهای حقوقی و روان‌شناختی برای ازدواج موفق» با دعوت از دو استاد برجسته: سرکار خانم دکتر سیده فاطمه فقیهی - وکیل پایه ۱ دادگستری، عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) - و سرکار خانم دکتر الهام فتحی - عضو هیئت علمی و رئیس مرکز مشاوره دانشگاه حضرت معصومه (س) - در سالن همایش‌های دانشکده علوم انسانی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۱ از ساعت ۱۵ الی ۱۲:۳۰ برگزار شد.



۳. برگزاری دادگاه مجازی

به‌منظور آشنایی بیشتر و آموزش عملی مباحث حقوقی به دانشجویان، انجمن علمی فقه و حقوق درصدد برآمد تا در دانشگاه، محیط دادگاه را شبیه‌سازی کند و یک پرونده قضایی به‌طور کامل به‌وسیله مراجع ذیصلاح بررسی و تحلیل شود. به‌همین‌منظور انجمن فقه و حقوق با همکاری بسیج حقوقدانان استان قم در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۷ در سالن همایش دانشکده علوم انسانی دانشگاه حضرت معصومه (س)، دادگاه مجازی با موضوع بررسی پرونده کلاهبرداری فیشینگ را با حضور بازپرس محترم دادرسی عمومی و انقلاب، جناب آقای ابوالفضل تحریری و دو تن از وکلای متبحر برگزار کردند که با استقبال باشکوهی ازسوی دانشجویان و اساتید همراه بود.



۴. تدوین و انتشار نشریه (مجله)

از دیگر فعالیت‌های انجمن، تدوین و انتشار شماره نخست نشریه علمی - تخصصی میزان است. این مجله با مدیرمسئولی جناب آقای دکتر محمد صادقی و با سردبیری خانم زهرا مؤمنی و نیز با همکاری اعضای انجمن فقه و حقوق و اساتید محترم دانشگاه تدوین شد که موضوعات مفید، علمی و سودمند را از جنبه فقهی و حقوقی بررسی می‌کند و هدف آن پیشرفت علمی دانشجویان سراسر این سرزمین است. در پایان باید گفت انجمن فقه و حقوق با تلاش‌های مستمر خود می‌کوشد کارگاه‌های علمی و همایش‌های بیشتری برگزار کرده، شماره‌های بعدی نشریه میزان را منتشر کند و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد و نیز فعالیت‌های مفید دیگری در جهت بهره‌مندی دانشجویان انجام دهد.



راه‌های ارتباطی



رایانامه: mizan.276@yahoo.com



صفحه اینستاگرام: hmu-islamiclaw



کانال تلگرام: @feghhhoghogh

به منظور ارتباط حضوری،

به دفتر انجمن‌ها واقع در طبقه دوم دانشکده علوم انسانی مراجعه کنید.

